

**A Review of the book "Major Themes of the QUR'AN" by
Fazlur Rahman**

*Fatemeh Alaghebandi**
*Mehrdad Abbasi***

Abstract

Fazlur Rahman is one of the greatest researchers of the Islamic philosophy. The "MAJOR THEMES OF THE QUR'AN" is one of his most important essays to obviate the contrast between the Islam and modern world. The holistic attitude of this book is against two other approaches; one of them is the way which most of orientalist historically evaluate the Quran, which means they never read it as an oracle book but they just consider the historical events of it with an outside and non-sympathetic perspective or how they suffice checking the Arab literature when it comes to study the terms of Quran. The other one is the common muslims "line by line checking" way that comprises a partial and non-holistic point of view which leads to neglect the basic concepts and orientations of Quran, which all of them make sense in that generality context. In fact this book is an effort in order to remark the defects of two mentioned ways in Quran study.

Keywords

Fazlur Rahman; Major Themes of the Quran; the Belief, Social; Legal; Moral Topics.

* PhD Student in Quranic and Hadith Sciences, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Iran (Corresponding Author). f.alaghebandi@gmail.com

** Assistant Professor, Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran
abbasimehrdad@yahoo.com

مروری بر کتاب «مضامین اصلی قرآن» تألیف ملک فضل الرحمان

فاطمه علاقه‌بندی*

مهرداد عباسی**

چکیده

فضل‌الرحمان (۱۹۸۸ میلادی) یکی از برجسته‌ترین محققان فلسفه اسلامی است. مضامین اصلی قرآن یکی از تألیفات مهم فضل‌الرحمان در رفع تقابل اسلام و دنیای مدرن است. رویکرد کل‌گرایانه این کتاب در برابر دو رهیافت دیگر قرار می‌گیرد؛ یکی شیوه بررسی‌های تاریخی اغلب مستشرقان که هیچ‌گاه قرآن را از زبان قرآن و با فرض و حیانی بودن آن نخوانده‌اند و تنها به وقایع تاریخی قرآن از منظری بیرونی و غیرهمدلانه نگریسته‌اند یا در مطالعه واژگان قرآن به بررسی ادبیات عرب اکتفا کرده‌اند؛ دیگری شیوه بررسی آیه به آیه غالب مسلمانان که متضمن نگاهی جزءنگرانه و خارج از کلیت به آن است که سبب می‌شود مفاهیم و گرایش‌های اصلی قرآن - که تک‌تک آیه‌ها، درون آن کلیت معنا پیدا می‌کنند- در نظر گرفته نشود. در واقع این کتاب تلاشی است در جهت کاستی‌های شیوه‌های مذکور در قرآن‌پژوهی.

کلید واژگان: فضل‌الرحمان، مضامین اصلی قرآن، مباحث اعتقادی، اجتماعی - حقوقی، اخلاقی.

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
f.alaghebandi@gmail.com

** استادیار دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران abbasimehrdad@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۳

مقدمه

کتاب «مضامین اصلی قرآن» که در سال ۱۹۸۰ میلادی در شیکاگو به زبان انگلیسی تألیف و در سال ۱۳۹۷ شمسی به فارسی ترجمه شد، نقطه عطفی در بازشناساندن نظریات اسلام‌پژوهی فکری - عملی فضل‌الرحمان در میان عالمان مسلمان و غربیان است. دغدغه‌های او مبنی بر کارآمدی قرآن در عصر جدید در هشت مضمون اصلی قرآن با شیوه خلاقانه نشان داده شده است. در واقع این کتاب، نوعی محتوایشناسی یا به عبارت دیگر نوعی گزیده‌نویسی از قرآن است که در سنت اسلامی سابقه دارد. شاید بتوان ادعا کرد که فضل‌الرحمان کاری مشابه غزالی (۴۵۰-۵۵۰ قمری) در «جواهر القرآن و درره» انجام داده است (عباسی، ۱۳۹۸). به نظر می‌رسد فضل‌الرحمان با آثار غزالی آشنایی داشته است. در مقاله حاضر، هشت فصل کتاب «مضامین اصلی قرآن» - خدا، انسان، طبیعت، نبوت و وحی، شیطان و شر، معاد و زندگی اجتماعی - در سه مبحث اعتقادی، اجتماعی - فقهی و اخلاقی تقسیم‌بندی و گزارش می‌شود.

مضامین خدا، طبیعت، نبوت و وحی، معاد در مبحث اعتقادی - توحید، نبوت و معاد- گزارش می‌شود. حوزه تحصیلات و تحقیقات فضل‌الرحمان که نشان‌دهنده نگاه فلسفی وی به تفسیر قرآن است در این بخش کاملاً هویدا است. لذا در بحث توحید (خدا، طبیعت) به ارتباط واجب‌الوجود با جهان و علیت طبیعی می‌پردازد. همان‌طور که نویسنده در مقدمه کتاب اشاره می‌کند، یکی از انگیزه‌های وی در تألیف این کتاب، پاسخ به سؤالات غربیان بوده است. به همین جهت نویسنده در فصل خدا در پی پاسخ به انتقاد برخی قرآن‌پژوهان غربی از تصویر مستبد خداوند در قرآن است. نگاه فلسفی فضل‌الرحمان به او اجازه می‌دهد که در فصل طبیعت تعبیر منحصر به فردی از مسأله قضا و قدر داشته باشد. او با اشاره به آیات متعدد در صدد نفی مفهوم جبر و از پیش تعیین‌شدگی از واژه تقدیر است. به این معنا که هرآنچه در طبیعت خلق شده دارای استعداد یا قوانین محدود است.

فضل‌الرحمان در فصل نبوت و وحی به شدت تحت تأثیر فارابی و ابن‌سینا است و نگاهی منتقدانه به نظریه وحی راست‌کیشان سنتی دارد. نویسنده به اهمیت نقش پیامبر(ص) در فرآیند وحی تأکید دارد و نقش پیامبر(ص) را تنها انتقال‌دهنده کلام الهی

نمی‌داند. در بخش نبوت در مباحث اعتقادی کتاب، ضمن گزارش نظریات فضل‌الرحمان درباره وحی و نبوت به باور نویسنده درباره ماهیت عامل وحی نیز اشاره می‌شود.

نویسنده در بخش معاد به مبحث معاد جسمانی می‌پردازد و درباره ظاهری بودن یا صورت تمثیلی پاداش و عذاب آخرت اظهار نظر می‌کند. باور فضل‌الرحمان به بیداری وجدان اخلاقی انسان به او اجازه می‌دهد تا نگاهی متفاوت به مسأله شفاعت در این بخش ارائه دهد.

آخرین بخش کتاب در قالب مباحث اجتماعی - حقوقی گزارش می‌شود. فضل‌الرحمان که نسبت به دیگر اصلاح‌طلبان دینی به تاریخ‌دانی توجه ویژه‌ای داشته است به مسأله حقوق زنان نگاه تاریخی دارد. او که معتقد است با اجتهاد براساس سنت زنده و پویا می‌توان آیات قرآن را در هر عصری کاربردی ساخت، درصدد تفسیر و تبیین آیاتی است که بعضاً مفسران سنتی در تفسیر آنها در دفاع از حقوق زنان ناکام مانده‌اند. نویسنده در بخش اجتماعی به‌طور خاص در پی پاسخ به غریبان درباره پیدایی جامعه اسلامی بر مبنای اختلافات فرقه‌ای یهودی - مسیحی است. او در این بخش تلاش می‌کند تا دلایل روشن‌فکرانه در خصوص تغییر قبله از بیت‌المقدس به کعبه و همچنین حنیف بودن آیین حضرت ابراهیم(ع) و تفکیک آن از یهودیت و مسیحیت ارائه دهد. فضل‌الرحمان معتقد است که قرآن برای اعتباردادن به جامعه مسلمانان برخلاف نظریه کلاسیک به حضرت ابراهیم(ع) پناه نمی‌برد، بلکه جوامع یهودی و مسیحی را به رسمیت می‌شناسد. ناگفته نماند که نویسنده یادآور می‌شود که جامعه مسلمانان «خیر امه» است و اهل کتاب همواره به اسلام دعوت می‌شوند.

اغلب فعالیت‌های فضل‌الرحمان با صبغه مباحث اخلاقی با تأکید بر قرآن است، لذا سایه توجه به اخلاق در تمام آثار او خصوصاً «مضامین اصلی قرآن» کاملاً آشکار است؛ بنابراین شاید ارائه مبحث مستقل اخلاقی جامعیت لازم را دارا نباشد. به نظر می‌رسد با توجه به مطالب فصول «شیطان و شر، انسان به‌مثابه فرد» مباحث مستقل اخلاقی را بتوان در بخش اخلاقی مقاله گنجانند. نویسنده با عنایت به جایگاه فردی انسان در عالم هستی و تأکید بر عمل‌گرایی، به تبیین جایگاه تقوا و توبه می‌پردازد. او که در پی دفاع

از صفت «رحمانیت» خداوند است با اشاره بر محتوای تجویزی قرآن مبنی بر هدایت انسان، مفسران را به داشتن درک درست از کاربردهای روان‌شناختی قرآن دعوت می‌کند.

۱. مباحث اعتقادی در کتاب «مضامین اصلی قرآن»

مباحث اعتقادی در کتاب «مضامین اصلی قرآن» شامل بحث در حوزه توحید، نبوت و معاد است.

۱-۱. توحید

فضل‌الرحمان در فصل اول (خدا) و چهارم (طبیعت) به مسأله خداشناسی با محوریت قرآن می‌پردازد. او معتقد است گاهی انسان برای اثبات وجود خدایی که از رگ‌گردن به بشر نزدیک‌تر است، گرفتار دلایل و شواهد پیچیده و ملال‌آور می‌شود. آنچه مهم است، جلب توجه انسان به حقایق آشکار و تبدیل این حقایق به نشانه‌های وجود خداست. لذا قرآن، خود و پیامبر(ص) را «مذکر» می‌نامد (فضل‌الرحمان، ۱۳۹۷: ۲۳).

مفهوم خدا از نظر فضل‌الرحمان خدای صرفاً فرمانده نیست، بلکه خدای قرآنی کاملاً کارکردی است. او در واقع معتقد است که اوصاف الهی را باید به لحاظ نتایج آنها معنا کرد نه مبادی آن. رحمت الهی به معنای سرازیر شدن نعمت است نه رقت و انعطاف قلبی. برداشت فضل‌الرحمان از مفهوم قرآنی «عدل رحیمانه» خداوند متفاوت از نظر برخی عالمان معاصر است. نویسندگان معاصر اغلب از «عدل رحیمانه» به عنوان «عدالتی تعدیل‌شده با رحمت» یاد می‌کنند. به نظر فضل‌الرحمان، خلقت نظام‌مند، تأمین معاش، هدایت و آمرزش، اصل جدایی‌ناپذیر از مفهوم قرآنی این واژه است (فضل‌الرحمان، ۱۳۹۷: ۲۱-۲۴). (Fazlur Rahman, 1980: 1-3) از طرفی توبه‌پذیر نیز هست و برای کسانی که صادقانه از ارتکاب لغزش خود پشیمان می‌شوند، بدی‌هایشان را به خوبی تبدیل می‌کند (فرقان: ۷۱).

او با اشاره به تصدیق قرآن درباره آفرینش هستی براساس قوانین درونی خود - علیتی طبیعی - یادآور می‌شود که هستی درعین حال که براساس قوانین خود اداره

می‌شود، اما خودمختار نیست. بدین معنا که خداوند جهان را پس از خلقت رها نکرده است (فضل‌الرحمان، ۱۳۹۷: ۲۵-۲۸).

فضل‌الرحمان در پاسخ به بسیاری از محققان غربی که به خاطر جهل و تعصب، خدای تصویرشده در قرآن را مظهر قدرت مطلق و حتی بی‌رحم و ستمگر معرفی کرده‌اند و آنکه این خدا، مستبدانه گروهی را به انحراف می‌کشاند و گروه دیگر را هدایت می‌کند و عده‌ای را بی‌دلیل به جهنم و گروهی را به بهشت می‌برد، با انتقاد به این دیدگاه غریبان، معتقد است که حتی اعراب پیش از اسلام هم این نگاه مغرضانه را نداشته‌اند (بقره: ۷، ۱۴۲، ۲۱۳ و ۲۷۲؛ ابراهیم: ۴؛ نحل: ۹۳؛ نور: ۳۵؛ قصص: ۵۶؛ روم: ۲۹؛ فاطر: ۸)، البته شکی نیست که خداوند ظالمان را هدایت نمی‌کند و هرکه را بخواهد گمراه و حتی قلب برخی را «نفوذناپذیر» می‌سازد. یعنی این خود انسان است که با اعمال خیر یا شر خود، سزاوار هدایت یا ضلالت می‌شود. برخلاف اعتقاد عالمان متأخر معتزله (انکار نقش خدا در اعمال و سرنوشت انسان) و اشعریه (انکار نقش انسان در اعمال و سرنوشت خود) خدا و انسان رقیب هم نیستند (فضل‌الرحمان، ۱۳۹۷: ۴۰؛ Fazlur Rahman, 1980: 15).

او تأکید می‌کند که: «این قدرت در خلقت سرشار از رحمت الهی براساس «اندازه‌گیری» یا «نظم» و تقدیری خاص، نه بی‌حساب و نسنجیده به ظهور می‌رسد» (فضل‌الرحمان، ۱۳۹۷: ۳۶).

نویسنده برای روشن‌تر شدن مفهوم قدرت مطلق الهی به بررسی واژه «قَدَر» در زبان عربی و به تبع آن در قرآن می‌پردازد. این خداوند قادر مطلق به واسطه خلاقیت رحیمانه خود همه‌چیز را «مُقَدَّر کرده» و استعدادها، قوانین رفتاری و ساختار هر چیزی را به آن ارزانی می‌دارد. تقدیری که خالق تعیین می‌کند نشان از بی‌کران دارد که هیچ مخلوقی

-هرچقدر هم که قدرت و استعداد داشته باشد (مثل انسان)- نمی‌تواند در آن سهمی داشته باشد. دقیقاً همین سهمیم بودن است که در مفهوم قرآنی شرک، قاطعانه رد می‌شود (فضل‌الرحمان، ۱۳۹۷: ۳۷).

او معتقد است که نظم کامل یعنی تخطی نکردن موجودات از قوانین و مقدرات معین شده. البته این به معنای جبر و از پیش تعیین شده نیست، بلکه مقلّرشدن به معنای محدود است. خداوند هر چیزی را نیکو خلق می‌کند، سپس استعدادهای بالقوه‌ای را در آن مقلّر می‌سازد و آن را هدایت می‌کند (اعلی: ۲-۳).

۲-۱. نبوت

فضل‌الرحمان در فصل پنجم (نبوت و وحی) تأکید بر جهانی بودن دعوت همه پیامبران -تفکیک‌ناپذیری رسالت- دارد.

۱-۲-۱. خاتمیت

باید در نظر داشت که انسان هنوز در حوزه مسائل اخلاقی و معنوی دچار سردرگمی است. رشد دانش او بیشتر از رشد حواس معنوی او بوده است. به عبارتی دیگر، انسان به حدی از بلوغ معنوی نرسیده است که از هدایت الهی بی‌نیاز شود. بنابراین خاتمیت نبوت پیامبر اسلام (ص) بدین معناست که در هدایت‌های الهی دیگر نیازی به شخصیت‌های «برگزیده» ندارد (فضل‌الرحمان، ۱۳۹۷: ۱۲۹؛ ۸۱: ۸۱، ۱۹۸۰: ۸۱، Fazlur Rahman, 1980). فضل‌الرحمان در فصل پنجم کتاب قبل از شروع بحث وحی، ابتدا به حادثه مشهور معراج می‌پردازد. در ادامه، مباحث ماهیت مأمور وحی و نحوه نزول آن بررسی می‌شوند.

۲-۲-۱. معراج

تجربه معراج که قبل از هجرت رخ داده، در سوره نجم به تفصیل شرح داده شده است (نجم: ۵-۱۸). فضل‌الرحمان از آیات چنین برداشت می‌کند که معراج تجربه‌ای معنوی و نه حرکتی جسمانی است. این تجربه و حیانی گسترش شخصیت پیامبر (ص) را در پی داشت و او بر بی‌نهایت «افق اعلی» و «سدره المنتهی» احاطه یافت. «چون این تجربه‌ها ماهیتی معنوی دارند، هستی‌هایی که به آنان اشاره شده است نمی‌توانند فیزیکی و جسمانی باشند. اگرچه باید به یاد داشت که وقتی شدت تجربه‌ای زیاد باشد، فاصله بین فاعل تجربه‌کننده و پدیده تجربه‌شونده تقریباً از بین می‌رود. اینجاست که فرد تجربه‌کننده

مروری بر کتاب «مضامین اصلی قرآن» تألیف ملک فضل الرحمان ۲۳۹

«صداها» را می‌شنود و «اشیا» را می‌بیند و تجربه درونی شکلی نیمه‌عینی پیدا می‌کند»
(فضل الرحمان، ۱۳۹۷: ۱۴۴؛ ۹۳: ۱۹۸۰، Fazlur Rahman).

فضل الرحمان با طرح حادثه مشهور معراج در نظر دارد تا چگونگی شکل «کلمات»
تجربه و حیانی را به قلب پیامبر(ص) اثبات کند.

۱-۲-۳. ماهیت روح یا مأمور وحی

فضل‌الرحمان تصریح می‌کند که قرآن هیچ‌گاه حامل وحی بر حضرت محمد(ص) را «فرشته» نخوانده، بلکه «روح» یا «فرستاده‌ای روحانی» نامیده است. فرشتگان کارگزاران خدا هستند که امور الهی را انجام می‌دهند. آنان می‌توانند بر پیامبران (هود: ۷۰ و ۸۱) و مؤمنان حقیقی (فصلت: ۳۰) فرستاده شوند، اما قرآن آنان را حاملان وحی نمی‌نامد. روح بر پیامبران خدا وحی می‌کند. درباره مریم هم که پیامبر نبود، روح خدا او را باردار کرد. (مریم: ۱۷) بر جسم انسان هم روح دمیده شده است (حجر: ۲۹). مؤمنانی هم که ایمان بر دل‌هایشان حک شده (مجادله: ۲۹) روح خدا آنان را حمایت می‌کند (فضل‌الرحمان، ۱۳۹۷: ۱۴۷-۱۴۸؛ ۱۴۸-۱۴۷؛ ۹۵: ۱۹۸۰: Fazlur Rahman).

فضل‌الرحمان شکی ندارد که حامل وحی بر حضرت محمد(ص) همین روح است، البته نباید تصور کنیم که روح و فرشته کاملاً باهم متفاوت هستند. در واقع روح بالاترین مرتبه ذات فرشته و نزدیک‌ترین حالت به خداست. زمانی که مکیان اصرار بر نزول فرشته بر حضرت محمد(ص) را داشتند، احتمالاً درخواست چیزی را داشتند که ملموس و قابل‌رؤیت باشد. خداوند این خواسته را رد می‌کرد، چراکه حامل وحی پیامبر(ص) (روح‌الامین)، روحی بود که بر قلب او نازل می‌شد: «بدین ترتیب احادیثی که در آنها جبرئیل فردی علنی نشان داده شده است که اطرافیان پیامبر(ص) او را می‌دیدند باید داستان‌های ساختگی باشند» (فضل‌الرحمان، ۱۳۹۷: ۱۴۸-۱۴۹). «شاید روح، قدرت یا توانایی یا نیرویی است که در قلب پیامبر(ص) ایجاد می‌شود و در صورت لزوم به عملکرد و حیانی [آیات مرتبط به شکل کلام درمی‌آیند] تبدیل می‌شود، اما در اصل از «عالم بالا» نازل می‌شود» (فضل‌الرحمان، ۱۳۹۷: ۱۵۰). این تعبیر فضل‌الرحمان با اعتقاد متداول مسلمانان مبنی بر نزول دفعی قرآن بر قلب پیامبر(ص) هماهنگ است.

۱-۲-۴. نحوه نزول وحی

سوره شوری ضمن اشاره به اینکه خدا هیچ‌گاه مستقیماً با انسانی سخن نگفته است مگر به واسطه وحی (القای روح)، سه طریق نزول وحی یا القای روح بر قلب پیامبران

را مشخص می‌کند: ۱. روح در قالب صدای ذهنی حقیقی و نه صدای جسمی و فیزیکی یا تصور ذهنی کلام، نه کلام صوتی و فیزیکی: از آیات ۱۶ تا ۱۹ قیامه این مطلب استنباط می‌شود که پیامبر کلمات را به شکل ذهنی از درون خود و القای روح می‌شنود. او به اختیار انسانی خویش، در پی حفظ آیات از مسیر غیر واسطه وحی بود. این دخالت از جانب خداوند رد می‌شود. در اینجا تفاوت ضمیر خودآگاه پیامبر با واسطه وحی کاملاً آشکار است. گرچه وحی از جانب خدا فرستاده شده است، اما با شخصیت عمیق‌تر پیامبر ارتباط تنگاتنگ دارد. بنابراین اعتقاد متداول مبنی بر خارجی بودن واسطه وحی نمی‌تواند فرض درستی باشد؛ ۲. فرستاده روحانی: روح به شکل فرستاده‌ای درمی‌آید که بر پیامبر وحی می‌کند (بر ذهن او القا می‌کند)؛ و ۳. روح باعث می‌شود او حقیقت را ببیند و به زبان بیاورد (نجم: ۳-۴).

نتیجه آنکه قرآن در شبی خاص از ماه مبارک رمضان نازل شد و جزئیات آن به تدریج براساس پیشامدها در قالب کلمات نظم یافتند. محتوای روح وحی با ذهن پیامبر (ص) ساخته شده و نزول دفعی قرآن در واقع تضمینی بر ساختار منسجم آن است. (فضل‌الرحمان، ۱۳۹۷: ۱۵۷؛ ۱۰۲-۱۰۳: ۱۹۸۰: Fazlur Rahman).

۳-۱. معاد

فضل‌الرحمان در فصل ششم کتاب به مسأله زیربنایی تعالیم قرآن درباره معاد می‌پردازد، یعنی آگاهی منحصر به فرد انسان از اعمال خود که قبلاً تجربه نکرده است. او به چنان آگاهی می‌رسد که قضاوت اعمال خود را می‌پذیرد. در واقع در آخرت ماهیت درونی او آشکار خواهد شد، لذا مسئولیت اعمال، افکار و نیاتش را به عهده می‌گیرد و قضاوت، فردی خواهد بود (فضل‌الرحمان، ۱۳۹۷: ۱۶۱-۱۶۴).

فضل‌الرحمان که نگاه منسجم و یکپارچه به آیات دارد در اشاره به سخن آمدن نامه اعمال و اعضای بدن انسان پیام اخلاقی آیات را روشن می‌سازد که این همان وضعیتی است که قرآن می‌خواهد انسان در زندگی دنیوی به آن برسد. این همان تقوایی است که پیامبر با اعمال خود در زندگی خصوصی و عمومی‌اش نشان می‌داد؛ وقتی در مدینه در نزدیک‌ترین حالت زندگی جمعی بود، هیچ چیزی برای پنهان کردن از دیگران نداشت.

۲۴۲ مطالعات اسلامی در جهان معاصر، سال اول، شماره اول (پیاپی ۱)، بهار و تابستان ۱۴۰۱

قرآن چنین حالتی از روشنی و شفافیت دل را از انسان انتظار دارد (فضل‌الرحمان، ۱۳۹۷: ۶۶-۱۶۷؛ Fazlur Rahman, 1980: 109-110).

۱-۳-۱. ماهیت پاداش و عذاب آخرت

آنچه مسلم است، عذاب و پاداش فقط روحی و معنوی نیست، اما جنبه روانی آن قوی‌تر است. بالاترین پاداش در آخرت خشنودی خدا و بزرگ‌ترین مجازات، ناخشنودی و دوری از خداست (فضل‌الرحمان، ۱۳۹۷: ۱۷۰).

نویسنده تصریح می‌کند که قرآن جدایی روح و جسم انسان را نمی‌پذیرد و او را موجودی زنده و یکپارچه معرفی می‌کند. فلاسفه اغلب «نفس» را به معنای روح، ماده‌ای جدا از جسم در نظر می‌گیرند. در حالی که «نفس» در قرآن به معنای «خودش» و در حالت جمع «خودشان» و در برخی موارد به معنای «شخصیت درونی» است (فضل‌الرحمان، ۱۳۹۷: ۱۶۹-۱۷۰).

۲-۳-۱. توبه

دیدگاه قرآن نسبت به نتیجه تلاش انسان، خوش‌بینانه است. اگر مجموعه اعمال انسان خوب باشد، خداوند از خطاهای انسان چشم‌پوشی می‌کند (نساء: ۳۱). در واقع تقوا اعمال انسان را کنترل می‌کند و در صورت تمرد او را به توبه و اصلاح عمل خود فرامی‌خواند. خداوند توباب است مگر بر بندگان که تا لحظه آخر عمر توبه را به تعویق می‌اندازند (یونس: ۹۰-۹۱). این عمل نشان از «عمل‌گرایی» قرآن است (فضل‌الرحمان، ۱۳۹۷: ۶۱؛ Fazlur Rahman, 1980: 30).

فضل‌الرحمان در ادامه به مسأله «شفاعت» می‌پردازد. او با اشاره به وجود احادیث مبتنی بر شفاعت پیامبر اسلام (ص) در حق گناهکاران امت خود، قرآن را مخالف شفاعت می‌داند.

۳-۳-۱. شفاعت

فضل‌الرحمان آموزه راست‌کیشان از شفاعت را رد می‌کند. او باور دارد که شفاعت به‌طور کامل علیه اعلان قرآن و بدعت مسلمانان قرن دوم و سوم است.

مروری بر کتاب «مضامین اصلی قرآن» تألیف ملک فضل‌الرحمان ۲۴۳

نویسنده در فصل دوم کتاب با عنوان انسان به‌مثابه فرد، به دو دلیل قرآنی مخالف شفاعت است: ۱. «خداوند هیچ‌کس را بیش از توانش تکلیف نکرده است» (بقره: ۲۳۳ و ۲۸۶؛ انعام: ۱۵۲؛ اعراف: ۴۲؛ مؤمن: ۶۲)؛ ۲ «رحمت خدا همه‌چیز را در برمی‌گیرد» (اعراف: ۱۵۶؛ غافر: ۷).

همان‌طور که نویسنده اشاره کرد، طبق نظر راست‌کیشان و معتزله، شفاعت شامل کافران یا غیرمسلمانان نمی‌شود، اما او با تأکید بر آیات (بقره: ۴۸، ۱۲۳ و ۲۵۴؛ انعام: ۵۱ و ۷۰؛ زمر: ۵۳ و ۴۴)، قاطعانه شفاعت حتی در حق مسلمانان را رد می‌کند. او در ادامه به استناد راست‌کیشان به آیات (بقره: ۲۵۵؛ یونس: ۳؛ طه: ۱۰۹؛ سبأ: ۲۳؛ نجم: ۲۶) مبنی بر مجوز شفاعت پیامبر(ص) به اذن خداوند در حق گناهکاران می‌پردازد: «اما آن‌طور که ابن تیمیه اشاره کرده است، عبارت مربوط به اجازه در این آیه را نمی‌توان تحت‌اللفظی معنا کرد؛ این عبارت فقط نوعی صنعت بلاغی برای شرح عظمت خدایی است که همه‌چیز در بارگاهش عاجز و ناتوان است مگر به‌واسطه رحمت او: «روزی که [روح] و فرشتگان به‌صف می‌ایستند و [مردم] سخن‌نگویند، مگر کسی که [خدای] رحمان به او رخصت دهد و سخن راست گوید» (نبأ: ۳۸). شفاعت با اجازه نه‌تنها مفهومی غیرقابل فهم است، بلکه آن‌گونه که این آیه نشان می‌دهد اگر قرار باشد کلمات قرآنی را تحت‌اللفظی معنا کنیم بی‌اذن خدا هیچ‌کس را حتی توان حرف زدن نیست چه رسد به شفاعت. قرآن از طریق این عبارات بلاغی حالتی از عظمت بیکران خدا را تصویر می‌کند (نیز بنگرید به نبأ: ۳۷ که می‌گوید: «پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است، بخشایشگری است که کس را یارای خطاب با او نیست»)

(فضل‌الرحمان، ۱۳۹۷)

(Fazlur Rahman, 1980: 31-32؛ ۶۳-۶۲).

۲. مباحث اجتماعی - حقوقی در کتاب «مضامین اصلی قرآن»

مباحث اجتماعی - حقوقی کتاب «مضامین اصلی قرآن» شامل این بخش‌ها است: پیدایی جامعه اسلامی، اوضاع مسلمانان در مکه، اهل کتاب و تنوع ادیان و ایجاد نظم اجتماعی.

۲-۱. پیدایی جامعه اسلامی

فضل‌الرحمان که زندگی آکادمیک خود را در اروپا و آمریکا سپری کرده بود با آثار غربیان اسلام‌پژوه کاملاً آشنایی داشت، لذا در مقدمه کتاب به برخی آثار غربیان که در پی اثبات بازتاب یهودیت و مسیحیت در قرآن هستند، اشاره دارد. از جمله ونسبرا^۱ که در کتاب مطالعات قرآنی (۱۹۷۷ میلادی) می‌کوشد ثابت کند که قرآن در فضای مجادلات فرقه‌ای یهودی - مسیحی شکل گرفته است.

۲-۱-۱. تفکیک‌ناپذیری رسالت

نویسنده، ضمن قبول صحت زیربنای نظریه پژوهشگران غربی درخصوص پیدایی جامعه اسلامی، ادامه می‌دهد که این تمام واقعیت نیست و از آن سوءبرداشت شده است. از نظر فضل‌الرحمان، تلقی «ملی‌سازی» و «عربی‌سازی» اسلام از جانب غربیان، از تفکیک زندگی پیامبر(ص) از دو دوره مجزا (مکه و مدینه) نشأت می‌گیرد (فضل‌الرحمان، ۱۳۹۷: ۱۹۸).

نویسنده معتقد است اتحاد معنوی پیام پیامبر اسلام(ص) با پیامبران پیشین، به دلیل منبع واحد آنها بود. «ام‌الکتاب» سرچشمه همه این پیام‌هاست. بنابراین دلیل اینکه باید به همه کتاب‌های نازل‌شده ایمان داشته باشیم کاملاً روشن می‌شود (شوری: ۱۵). پیامبر اسلام(ص) تلاش می‌کرد امت واحد دینی را بنا کند. درحقیقت، واژه «الکتاب» در قرآن اغلب برای دلالت بر متنی خاص به‌کاربرده نشده، بلکه واژه‌ای عام برای تمام متون آسمانی است. پس برای پیامبر(ص) کاملاً عادی است که از تمام جوامع انتظار داشته باشد همان‌طور که خود و پیروانش به تمام کتاب‌ها ایمان آورده‌اند، آنان نیز به قرآن ایمان بیاورند (فضل‌الرحمان، ۱۳۹۷: ۲۰۳؛ Fazlur Rahman, 1980: 136-137).

۲-۱-۲. استعمال واژه «احزاب» در قرآن

پیامبر اسلام(ص) امیدوار بود با توجه به اینکه خدا یکی است و پیام او نیز با پیام پیامبران پیشین یکی است، امت واحد دینی تشکیل دهد. اما عملاً در مدینه متوجه تفاوت‌های بین ادیان و مذاهب گذشته شد؛ بنابراین اینکار عملی نبود. در مدینه مشاجراتی بین بزرگان ادیان با پیامبر(ص) شکل می‌گرفت. پیروان این ادیان «احزاب» خوانده می‌شدند (فضل الرحمان، ۱۳۹۷: ۲۰۵-۲۰۶).

واژه «حنیف» به معنای نوعی یکتاپرستی است که در آن هرگز انحراف صورت نگرفته است. درست به خاطر همین است که فقط بعد از حضرت ابراهیم(ع)، دین پیامبر اسلام(ص) حنیف است. به عبارتی زنجیره یکتاپرستی از حضرت ابراهیم(ع) ریشه گرفت و پس از عبور از پیامبران پیشین به پیامبر اسلام(ص) رسید (فضل الرحمان، ۱۳۹۷:

۲۱۰-۲۱۲).

کاربرد واژه «احزاب» (فرقه‌ها) و که برای امت پیشین استفاده می‌شد، در مدینه از بین رفت و واژه «امه» یا «اهل کتاب» جایگزین آن شد. در واقع قرآن علاوه بر رسمیت شناختن جامعه حضرت ابراهیم(ع) به جوامع یهودی و مسیحی نیز اعتبار می‌دهد، اما جامعه مسلمانان برتر و «خیرالامه» است. جامعه مسلمانان، جامعه میانه‌ای است که منحرف نشده و براساس جامعه حضرت ابراهیم(ع) عمل می‌کند (فضل الرحمان، ۱۳۹۷: ۲۱۳؛ Fazlur Rahman, 1980: 144-145).

۲-۲. اهل کتاب و تنوع ادیان»

فضل الرحمان قبلاً مکرر به دیدگاه پژوهشگران غربی مبنی بر خاستگاه یهودی - مسیحی قرآن اشاره داشت. او در این پیوست، به نظر برخی از محققان می‌پردازد که اخیراً به پیش‌زمینه عربی اسلام استدلال نموده‌اند. محققانی از جمله: مونتگمری وات^۲، موریس گدفر^۳، دمو بیت^۴ و از همه مهم‌تر همیلتون گیب^۵ که معتقدند: «اسلام از پیش‌زمینه عربی خود سرچشمه گرفته، اما شکل‌گیری و رشد آن از سنت یهودی - مسیحی تأثیر

2. Montgomery Watt

3. Maurice Godfrey

4. Demo bit

5. Hamilton Gabe

پذیرفته است» (Watt, 1953: 1-29). اما از نظر فضل‌الرحمان مسأله مهم در حال حاضر «اصالت» اسلام نیست، بلکه ارتباط شخص پیامبر(ص) با سایر پیامبران و جوامع آنان است (فضل‌الرحمان، ۱۳۹۷: ۲۳۶).

هیچ جامعه‌ای حتی جامعه مسلمانان که به‌عنوان «امت وسط» ستوده شدند، نمی‌تواند ادعای برگزیدگی کند مگر هنگام قدرت یافتن به فقرا کمک کنند، نماز به پا دارند، امر به معروف و نهی از منکر کنند (حج: ۴۱). قرآن با به رسمیت شناختن افراد نیکوکار سایر جوامع (یهودیان، مسیحیان و صائبان) و اهل ایمان مسلمانان، انحصار و برگزیدگی جوامع را به شدت تکذیب می‌کند (فضل‌الرحمان، ۱۳۹۷: ۲۴۰؛ Fazlur Rahman, 1980: 166).

فضل‌الرحمان در ادامه به برداشت مفسران از بقره آیه ۶۲ می‌پردازد. برخی مفسران معتقدند که منظور آیه، آن گروه از یهودیان، مسیحیان و صائبان است که مسلمان شده‌اند. برخی دیگر ادعا می‌کنند که منظور آن گروهی از یهودیان، مسیحیان و صائبان نیکوکاری است که قبل از اسلام می‌زیستند.

نویسنده نظر اخیر را منطقی نمی‌داند؛ چراکه قرآن خود در پاسخ به یهودیان و مسیحیانی که آخرت را از آن خود می‌پندارند، هشدار می‌دهد که عاقبت از آن نیکوکاران است (بقره: ۱۱۲). در خصوص دیدگاه اول نیز، طبق آیه، گروه مسلمانان با ایمان تنها یک گروه از چهار گروه ایمان‌آوردگان را شامل می‌شود (فضل‌الرحمان، ۱۳۹۷: ۲۴۱).

(Fazlur Rahman, 1980: 166).

۲-۳. ایجاد نظم اجتماعی

ایجاد نظم اجتماعی برپایه عدالت و اصول اخلاقی، یکی از اهداف اصلی قرآن است. فضل‌الرحمان در فصل سوم، انسان در جامعه، یک بحث نظری مهمی را مطرح می‌کند: «اینکه آیا سرانجام انسان مهم‌تر است و اجتماع صرفاً ابزار مورد نیاز او برای خلقش است یا برعکس.» او معتقد است که انسان و اجتماع لازم و ملزوم یکدیگرند و اعمال انسان، خصوصاً تقوا تنها در زمینه اجتماعی مطرح می‌شوند (فضل‌الرحمان، ۱۳۹۷: ۶۹).

از نظر فضل‌الرحمان آموزه‌های دینی در حوزه جامعه صدر اسلام به دو گروه تقسیم می‌شوند: ۱. آموزه‌هایی که کاملاً جنبه ارزشی دارند، مثل فضیلت و عدالت که دارای هویتی فراتاریخی هستند؛ ۲. آموزه‌های دینی که جنبه اقتصادی یا اجتماعی دارند و در قالب احکام و دستورات اسلامی بیان شده‌اند که با دورشدن از شرایط تاریخی صدر اسلام بر زمان‌های بعد تطبیق‌پذیر نخواهند بود. از نظر او، فقها با نادیده‌گرفتن این تفکیک موجب رکود و بسته‌شدن باب اجتهاد شده‌اند. او تصریح می‌کند که اگر در فقه و تفسیر قرآن به تمایز بین مطلوب و مشروط توجه شود، می‌توان احکام مربوط به جامعه زمان پیامبر(ص) را مورد بازاندیشی یا اصلاح قرار داد (فضل‌الرحمان، ۱۳۹۷: ۸۴-۸۵).

فضل‌الرحمان معتقد است «حقوق» انسان‌ها در قرآن در قالب مسئولیتی اخلاقی بیان شده است. او تأکید دارد که قرآن برخلاف برداشت اغلب فقیهان مسلمان کتاب احکام (قانون) نیست. قرآن سندی است که به‌عنوان منبع دینی، از طریق اصلاح اجتماعی، ابتدا به پرهیزگاری «انجام کامل وظایف» دعوت می‌کند و در نهایت موجب حفظ حقوق انسانی می‌شود (فضل‌الرحمان، ۱۳۹۷: ۸۲).

فضل‌الرحمان تنها راه حل برخی مشکلات اجتماعی مانند اصلاح امور زنان را توجه به این تمایز می‌داند: «ظاهراً بین مجاز بودن چندهمسری تا چهار همسر، ضرورت برقراری عدالت بین آنها و اعلام صریح اینکه چنین عدالتی ذاتاً غیرممکن است تضاد و تناقض وجود دارد. به نظر می‌رسد حقیقت این است که چندهمسری از نظر فقهی مجاز است حال آنکه محدودیت‌های مطرح شده آرمانی اخلاقی بوده که انتظار می‌رفته جامعه به‌سوی آن حرکت کند، زیرا از بین بردن یک‌باره چندهمسری امکان نداشته است» (فضل‌الرحمان، ۱۳۹۷: ۸۳-۸۴).

نویسنده معتقد است، روش قرآن به‌طورکلی در وضع قوانین این‌گونه است که هر دستور حقوقی همراه با علت آن حکم وضع می‌شود. فضل‌الرحمان تأکید دارد که برای فهم علت وضع هر حکم حقوقی یا نیمه‌حقوقی «ابتدا باید زمینه اجتماعی - تاریخی آن آیه را (که مفسران قرآن «سبب نزول» می‌نامند) درک کنیم. علت هر حکم اصل و چکیده مطلب است و حکمی که وضع می‌شود تاحدی که آن علت را به‌درستی تحقق

بخشد، در واقع تجسم آن است در غیر این صورت، حکم باید تغییر یابد» (فضل الرحمان، ۱۳۹۷: ۸۴-۸۵؛ Fazlur Rahman, 1980: 48-49). او معتقد است که با اینکه فقیهان سنتی، علت حکم را می‌دانند، به ظاهر آیه اکتفا می‌کنند و حکم را در تمام زمان‌ها و مکان‌ها لازم‌الاجرا می‌پندارند (فضل الرحمان، ۱۳۹۷: ۸۵).

۳. مباحث اخلاقی در کتاب «مضامین اصلی قرآن»

فضل الرحمان معتقد است، طبق دیدگاه قرآن، تفاوت انسان با سایر مخلوقات خداوند، دمیده شدن «روح خدا» در اوست. پس تمامی فرشتگان، جز ابلیس بر انسان سجده کردند. قرآن از شیطان به عنوان موجودی ضدانسان، نه ضدخدا یاد می‌کند. یعنی شیطان به طور دائم موجب نبرد و مواجهه اخلاقی برای انسان می‌شود. حال اگر انسان بکوشد تا با شیطان مبارزه کند، خداوند او را یاری می‌کند و به خاطر همین یاری خداوند انسان به عنوان خلیفه خدا و وظیفه ایجاد نظم اجتماعی-اخلاقی را دارد؛ وظیفه‌ای که خدا به عنوان امانت به آسمان‌ها و زمین عرضه داشت اما آن‌ها تحمل بار آن را نداشتند و انسان آن را پذیرفت (فضل الرحمان، ۱۳۹۷: ۴۴-۴۵؛ Fazlur Rahman, 1980: 18).

۳-۱. تقوا

فضل الرحمان معتقد است که اساس محتوای قرآن، برای آگاهی بخشی انسان به منظور تغییر شخصیتش طراحی شده است. بنابراین هدف اصلی آیه‌ها را باید در آثار روانی و پیام‌های اخلاقی عبارت‌های قرآن جستجو کنیم. باید مدنظر داشته باشیم که عبارت‌های قرآن علاوه بر شکل توصیفی، حالت دستوری و تجویزی نیز دارند. به طور مثال عبارت مهرزدن بر قلب، علاوه بر وجه توصیفی‌اش، وجه تجویزی آن انسان را با ایجاد انگیزه به تغییر مسیر، به راه راست هدایت می‌کند (فضل الرحمان، ۱۳۹۷: ۵۱).

او راه میانه‌ای را که قرآن به انسان معرفی کرده است راهی به سوی تعالی و جمع صفات اخلاقی -تقوا- می‌داند. تقوا به معنای حفظ خود از اعمال شیطانی است. بنابراین ترس از خدا به معنای ترس از عواقب اعمال، در این دنیا و آخرت است. اما با وجود مجازات الهی، خداوند وعده داده است که در صورت داشتن تقوا، عفو الهی شامل

بندگان خواهد شد. چراکه با بررسی آیه‌های الهی درمی‌یابیم که اگر برآیند اعمال انسان مثبت و صحیح باشد، خدا سایر اعمال او را خواهد بخشید (فضل‌الرحمان، ۱۳۹۷: ۵۹). از نظر فضل‌الرحمان تقوا یا به تعبیری زهد، همچون مشعل، آدمی را در دوراهی‌های زندگی راهنمایی می‌کند. تقوا در پایین‌ترین سطح خود خویشتن‌داری و در بالاترین سطح شناخت درون است تا جایی که روز قیامت از برملاشدن درونش نهراسد. فضل‌الرحمان در ادامه سعی بر ارائه بهترین تعریف «تقوا» براساس آیات دارد. انسان باتقوا در کشمکش‌های معنوی ثابت‌قدم می‌ماند و تخطی نمی‌کند. رفتار او ویژگی می‌یابد که تبدیل به «عبادت» می‌شود. پاداش چنین رفتاری ده یا چند برابر می‌شود (انعام: ۱۶۰؛ نساء: ۴۰)؛ اما مجازات شری که بخشیده نشود، مساوی با عمل است (فضل‌الرحمان، ۱۳۹۷: ۶۰؛ ۲۹: ۶۰). (Fazlur Rahman, 1980: 29; 60).

۲-۳. شیطان و شر

فضل‌الرحمان در فصل هفتم کتاب به ابلیس یا شیطان به‌عنوان منشأ شر پرداخته است. او معتقد است در قرآن کریم شر با ابلیس یا با شیاطین به تصویر کشیده شده است. به‌طورمعمول منظور از واژه شیاطین در سوره‌های مکی، انسان و منظور از جنود شیطان جنیان است. در واقع نزاع بین شیطان و انسان است نه بین خدا و شیطان؛ چراکه شیطان هم‌تراز خدا نیست. هدف شیطان گمراه ساختن انسان است و این دو در تلاش‌اند تا بر هم ظفر یابند (فضل‌الرحمان، ۱۳۹۷: ۱۸۳-۱۸۶؛ ۱۲۱-۱۲۴). (Fazlur Rahman, 1980: 121-124). از آیه‌های قرآن چنین برمی‌آید که مکر شیطان، تنها درخصوص بندگان کارساز نیست که تقوا پیشه کرده باشند. اگرچه همه انسان‌ها در معرض وسوسه‌های شیطان قرار دارند اما بندگان که اخلاق‌مداری را پیشه راه خود کرده باشند از تسلط شیطان مصون خواهند بود (فضل‌الرحمان، ۱۳۹۷: ۱۸۷).

نتیجه‌گیری

۱. طبق آیات قرآنی وقتی خداوند موجودی را «خلق» می‌کند، در همان زمان استعدادهای موجود بودن آن را در او سرمایه‌گذاری می‌کند و «امر» قانون

- رفتار است. بنابراین تقدیر به معنای اندازه چیزی است و نباید رخدادهای پیش از وقوع حوادث، مانند باور ارتدکس‌ها فهمیده شود.
۲. فضل‌الرحمان به این نکته اساسی توجه دارد که جامعه عصر نزول قرآن در الهام خدا به پیامبر(ص) و در نتیجه در «وحی» مؤثر بوده است. به عبارتی توقع‌ها، و نگرانی‌ها و علایق و دغدغه‌های پیامبر(ص) در قرآن بازتاب داشته است.
۳. فضل‌الرحمان تحت تأثیر یگانگی روح و جسم احساس می‌کند که روح در بستر جسم شکوفا می‌شود. بنابراین به مسئولیت‌پذیری انسان در زندگی دنیوی می‌پردازد. او معتقد است که «شفاعت» مسئولیت اخلاقی انسان را کم می‌کند. از نظر او اذن به شفاعت، جلال و جبروت الهی را به رخ می‌کشد.
۴. هدف پیامبر(ص) در مدینه نیز تشکیل امت واحد بود اما دریافت که اینکار با توجه به تفاوت بین ادیان و مذاهب گذشته عملی نیست. لذا یهودیان مدینه به‌عنوان یک جامعه دینی مجزا به رسمیت شناخته شدند.
۵. فضل‌الرحمان معتقد است که اساس محتوای قرآن، برای آگاهی‌بخشی انسان به‌منظور تغییر شخصیتش طراحی شده است. بنابراین هدف اصلی آیه‌ها را باید در آثار روانی و پیام‌های اخلاقی عبارت‌های قرآن جستجو کنیم.

کتابنامه

فضل‌الرحمان، ملک (۱۳۹۷) *مضامین اصلی قرآن*، ترجمه فاطمه علاقه‌بندی، چاپ اول، تهران: کرگدن.

عباسی، مهرداد (۱۳۹۸) «فضل‌الرحمان و قرآن‌پژوهی در دنیای جدید»، انجمن مطالعات قرآنی، یازدهمین نشست از سلسله نشست‌های اندیشه‌ورزی قرآنی.

Fazlur, R. M. (1980). *Major themes of Quran*, Biblio the Islamica.
Watt, W.M (1950). "Early Discussions about the Quran", the Muslim World.